



سمنیاری قانون اساسی، تعاون و عدالت اجتماعی

۱۶ شهریور ۱۳۷۴

در شماره پیشین ماهنامه تعاون بخش اول مجموعه سخنان جمعی از مقامات و صاحبان اقتصاد و اجتماعی کشور در سمنیاری تعاون، قانون اساسی و عدالت اجتماعی از نظر گرامی خوانندگان محترم گذشت. اینک دومین و آخرین بخش از سخنان جمعی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در سمنیاری یاد شده به استحضار می‌رسد. باشد که این رهنمودها، انگیزه تلاش و تحرک بیشتر مسئولین و دست‌اندرکاران بخش تعاونی واقع شده و ره توشه تلاشهای اتی‌شان قرار گیرد.

سخنان حجة الاسلام والمسلمین

موحدی ساوجی

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس



در مکتب اسلام، تعاون یک مفهوم فراگیر است. امت اسلامی باید در همه خیرها و خوبی‌ها به همدیگر کمک کنند

دیگری نموده جز مسئله تهیه هیزم، فرمود: من هم می‌روم هیزمش را تهیه می‌کنم.

این همان حسن و روح تعاون است که باید در یک امت، در یک جمعیت مخصوصاً وقتی، امت توحیدی و اسلامی باشد و همه معتقد به خدا باشند وجود داشته باشد.

در این آیه شریفه‌ای هم که در قرآن کریم آمده است: «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العداون» هم تعاون خواسته شده هم نفی تعاون و نهی از تعاون شده است. به خاطر این که تعاون در چه؟ متعلق تعاون چه است؟ موضوعی که در آن موضوع می‌خواهیم همدیگر را حمایت کنیم،

معاونت و کمک و پشتیبانی است. بنابراین وقتی دو نفر یا پنج نفر، یا یک گروهی هر چند نفر که باشند، مشکل می‌شوند تا در انجام یک کاری و یک امری، با هم آن کار را به سر منزل مقصود برسانند، روح تعاون و اخلاق تعاون و روش تعاون در آنها وجود دارد.

مثل همان داستان معروفی که پیامبر گرامی اسلام با عده‌ای از یاران به سفری می‌رفتند، در بین راه در جایی منزل گرفتند. برای استراحت و صرف غذا لازم بود که بالاخره آتشی افروخته و چیزی تهیه شود. هر کسی دنبال کاری‌رفت: یکی گفت مثلاً من گوسفند را می‌کشم و پوستش را می‌کنم، دیگری گفت من آب تهیه می‌کنم برای این که این پخت و پز انجام بشود و بالاخره یکی گفت من طبخش می‌کنم. پیامبر گرامی اسلام چون دید کار

بسم... الرحمن الرحیم

مفهوم لغوی و اسلامی تعاون

در رابطه با تعاونی از ابعاد مختلف می‌شود سخن گفت. یکی اینکه تعاونی از لحاظ مفهوم لغوی و از لحاظ بار مکتبی و اسلامی به چه معنا است و چه پیامی در مکتب اسلام دارد، و دیگر از لحاظ جایگاه قانونی تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران، چه قانون اساسی و چه قانون خاص تعاون که از مجلس شورای اسلامی گذشته است و اکنون در مرحله اجرا است.

اما از لحاظ مفهوم لغوی، پیدا است که تعاون از باب تفاعل به معنی کمک به یکدیگر و همدیگر یاری، در واقع از ریشه عون همان

پشتیبانی کنیم، دست به دست هم بدهیم، آن چه موضوعی است؟ اگر آن موضوع حق باشد، عدالت باشد، کار باشد، سازندگی باشد، تولید باشد، خدمت باشد، دانش باشد، واجب است و امر است به تعاون. اما چنانچه منکر باشد، زشتی باشد، ظلم باشد، ستم باشد انسان بایستی نسبت به گناه و ستم و در جهت ستمگری هرگز به کسی کمک نکند و لذا در اسلام یاری ظالم حتی به این مقدار که انسان اگر تازیانه به دستش بدهد، حتی به این مقدار که ظالمی است که می‌خواهد ظلمی کند و او هست که حکمی می‌دهد، جایی را ویران می‌کند و یا خون به ناحقی را می‌ریزد، اگر کسی مثلاً یک مقدار جوهر یا مرکبی در دواتش بریزد، با این که او نویسنده نیست، منشی نیست و رای نداده، حکم او را اجرا نکرده، اما در عین حال همین قدرش هم در اسلام نهی شده و گناه است. بنابراین هم تعاون امر شده و هم نهی شده است.

تعاون در قانون اساسی

در مکتب اسلام تعاون، یک تعاون فراگیر است یک تعاون به معنی خاص در یک امر خاص در یک جای خاص و نسبت به یک جمع خاص نیست، باید همه امت اسلامی در همه خیرها و خوبی‌ها «فاستبقوا الخیرات» در همه زمینه‌ها باید به همدیگر کمک بکنند.

مفهوم قانونی تعاون

اما این به آن معنا نیست که تعاون به معنای قانونمند آن لازم نباشد، چه بسا ممکن است در یک زمینه‌هایی ضرورت داشته باشد، کما این که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ۴۳ و ۴۴ در ارتباط با تعاون آمده است. اصل ۴۳ به صورت مبسوط و مفصل راجع به همین تعاونی است و در اصل ۴۴ در واقع بخشهای سه گانه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش تعاونی شمرده شده که بخش تعاونی نه ویژگی بخش دولتی را دارد و نه ویژگی بخش خصوصی را بلکه ویژگی‌های

خودش را دارد و این ویژگی‌ها و خصوصیات که در رابطه با بخش تعاونی وجود دارد در اصل ۴۳ به خوبی بازگو شده است.

در اصل ۴۳ جایگاه تعاونی را در نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور این که هم از لحاظ شکوفایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، هم به لحاظ مبارزه با فاصله طبقاتی و جلوگیری از این که یک عده‌ای بسیار توانگر و ثروتمند و سرمایه‌دار باشند و یک عده‌ای فقیر و مریض باشند، جلوگیری از تطاول ثروت و از این که در واقع ثروت در دست یک عده خاصی یک عده کمی از جامعه بچرخد و فقط در دست آنها باشد و هم برای این که نیروهای مستعد توانای کار که می‌توانند کار کنند، استعداد دارند، تحصیلات دارند، بازوی کار دارند اما سرمایه و امکان این که آن استعداد را به مرحله ظهور و بروز برسانند ندارند در اینجا به منظور این که هم اشتغال ایجاد شود و بیکاری خیلی کمتر شود، هم از هر جهت اوضاع اقتصادی کشور بهتر شود و عدالت اجتماعی پدید بیاید و هم از این که ثروت فقط در دست یک عده خاصی نباشد که مسلماً به دنبال آن ظلم و ستم و فقره عده زیادی و بیکاری را به دنبال دارد، این بخش تعاونی به وجود آمده است.

هیچ کجای قانون اساسی در هیچ اصلی آن طور که در رابطه با تعاونی و بخش تعاونی به تفصیل سخن گفته شده و جایگاه آن تعیین و اهمیتش بر شمرده شده، در رابطه با بخش دولتی یا خصوصی، مطلبی نمی‌بینیم. مثلاً یک اصلی در رابطه با بخش دولتی در مسائل اقتصادی نداریم. یا یک اصلی جداگانه که در رابطه با بخش خصوصی باشد نداریم. اما در رابطه با بخش تعاونی، به جهت این که بخش تعاونی در نظام جمهوری اسلامی ایران آن طور که قانون اساسی می‌گوید و آن طوری که متناسب با اسلام و مکتب است باید پیاده شود، لذا به این شکل در اینجا بیان شده است.

یک ویژگی دیگری که در رابطه با تعاون لازم است عرض کنم و در اصل ۴۳ بیان شده

این است که تعاونی اصلاً دولتی نیست، برخلاف بسیاری از کشورها، (مثلاً کشورهای سوسیالیستی تعاونی‌هایش هم دولتی بود) تعاونی در نظام جمهوری اسلامی ایران باید مورد حمایت پشتیبانی و کمک دولت قرار بگیرد، اما به هیچ وجه نباید تعاونی در چنگ دولت و یا در اختیار دولت باشد و دولت نباید متولی و قیم آن باشد. یعنی اعضای تعاونی، گردانندگان تعاونی و صاحبان اصلی و تصمیم گیرندگان اصلی آن هستند و در چارچوب قوانین و مقررات از پشتیبانی دولت برخوردار می‌شوند. و دولت هم که این حمایت و پشتیبانی را انجام می‌دهد، به خاطر همان اهدافی است که در اصل ۴۳ آمده است، نه به خاطر این که دولت یک مالکیت‌هایی دارد.

ارتباط دولت با تعاونیها

بنابراین مسئله ارتباط و پیوند تعاونی با دولت و دولت با تعاونی، ارتباط همکاری و همسویی است. در واقع هم تعاونی‌ها سعی می‌کنند سیاستهای نظام، برنامه‌های نظام و اهداف نظام را در جهت اقتصادی و با کارهای تولیدی خودشان حمایت بکنند و هم دولت برای این که عدالت اجتماعی هر چه بهتر در جامعه برقرار بشود و از سوءاستفاده عده خاصی جلوگیری بشود، از تعاونی‌ها حمایت می‌کند.

من در اینجا زیاد وارد بحث وزارت تعاون نمی‌شوم، چون گاهی ممکن است وزارت تعاون با بخش تعاون مخلوط شود. اگر وزارت تعاون بهتر بتواند تعاونی‌ها را حمایت و پشتیبانی کند، یعنی دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران یا یک دستگاهی که مسئول همه تعاونی‌های کشور باشد، آلان اسمش وزارت تعاون است، ممکن است یک روزی مثلاً سازمان بشود و زیر نظر رئیس جمهور باشد. ما در رابطه با اسمش بحثی نداریم، بحث این است که طبق آنچه در اصل ۴۳ آمده است همه باید بکوشیم یعنی هم مجلس، هم دولت، هم مسئولان بکوشیم این اهدافی که در اصل

۴۳ مندرج است پیاده شود. اگر با وزارت بهتر می شود، وزارت باشد.

ولی اشکال کار در ارتباط با وزارت این است که وزارت تعاون دو اشکال دارد: اشکال اول این که وزارت تعاون خودش و کارهای خودش برنامه های خودش و فعالیت های خودش را، این که مثلاً در برنامه اول چه کار کرده در برنامه دوم چکار می کند، هر سال در رابطه با تعاونی هایی که به وجود آورده، تعاونی هایی که حمایت کرده، افرادی که در تعاونی ها اشتغال دارند، در انواع تولیدات سهم دارند، در این راستا تبلیغ نکرده است.

وزارت تعاون از زمانی که جناب آقای مهندس شافعی تشریف آورده اند که از همان ابتدای تشکیل وزارت بود و مسئولیت این وزارتخانه را قبول کرده اند تا به امروز، شاید به خاطر این که مثلاً نخواسته اند خودشان را مطرح کنند، گفته اند ما به جای تبلیغ، کار کنیم و در صدد تبلیغ نبوده اند، من این نکته را عرض می کنم به جناب آقای مهندس شافعی که اگر در تبلیغ افراط بشود باطل است و نادرست و اگر کسی آنچنان را آنچنانتر بگوید و معرفی کند و بخواهد با تبلیغات غیر واقعی خودش را و کارش را معرفی کند، البته آن دروغ است. اما اگر هم کاری بکند و درباره آن هیچ نگوید، این هم اشتباه است و هر مسئولی در جمهوری اسلامی ایران باید آن طور که هست خودش را معرفی کند و تنگناها، اشکالات و موانع را بیان کرده و نقاط قوت را برای جامعه تبیین کند تا بالاخره هم جامعه آگاه باشد، و هم مسئولان حمایت کنند. وقتی که می بینند کارهای مثبتی انجام می شود و اگر مشکلات آن برطرف گردد، می توانند کارهای مهمی انجام دهد، همه مسئولان کمک خواهند کرد. پس اشکال اول عدم تبلیغ در حد مناسب و متعارف آن بوده است.

مسئله دوم این که شاید به خاطر همین علت اول، کار به جایی رسیده بود که خود دولت محترم، وزارت را به تدریج تکه تکه و قطعه قطعه می کرد. از اولی که قانون تصویب شد، سازمان تعاون روستایی را جدا کردند،

بعد کم کم تعاونی فرشبافان روستایی جدا شد، تعاونی صید و صیادی هم گفتند جدا شود، فردا مثلاً بگویند تعاونی صنعتی هم جدا، پس چه باقی می ماند؟ این است که اگر قرار است وزارت تعاون باشد، کار اصلی بخش تعاونی، تولید است، نه کارهایی مثل فروش نخود و لوبیا. آن تعاونی که در اصل ۴۲ قانون اساسی آمده است در رابطه با بخش تولید است که در رابطه با اقتصاد می تواند نقش اصلی را ایفا کند و مسائل کشاورزی و صنعتی را سامان دهد و در بخش تحقیقات و خدمات فعالیت ارزشمند به عمل آورد.

آقای مهندس نبوی یک نکته ای را گفتند که فارغ التحصیلان دانشگاه های ما به تدریج زیاد می شوند و بعد کم کم کار به جایی می رسد که بی کار می مانند. باید عرض کنم این که بی کار می مانند نه به خاطر این است که در جامعه کار نیست، بلکه به جهت این است که اصولاً نظام برنامه ریزی آموزشی دانشگاهی ما بیشتر متأثر از قبل از انقلاب است و این نظم دانشگاهی در واقع افرادی را تربیت می کند که دکترای کاربردی ندارند، کار نکرده است، تئوری درس خوانده و دکتری گرفته است، شما به یک آدمی که دکتر در برق است مراجعه کنید می بینید که وقتی می خواهد در خانه اش سیم کشی کند بلد نیست و می رود یک آدم بی سواد برق کش محله را می آورد تا انجام بدهد، ولی خودش نمی تواند انجام بدهد. این اشکال کار ما است.

چه کسی گفته است در این مملکت هر کسی که درس خواند، لیسانس گرفت، فوق لیسانس گرفت، دکتری گرفت، حتماً باید پشت میز دولت بنشیند و حتماً باید دولت برای او کار درست کند، آن هم کار دولتی؟ این بسیار شیوه غلط و بدعت خطرناکی است و از قبل از انقلاب بوده که با آن سیاستهای زمان شاه کاملاً وفق می داد. چون در زمان شاه سیاستها این نبود که مملکت از لحاظ صنعتی، اقتصادی و علمی استقلال پیدا کند و روی پای خودش بایستد، می خواستند مملکت در تیول آمریکا و اروپا و صنعتگران دنیا باشد. اما در نظام

جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه این معنا درست نیست. البته نظام جدید آموزش و پرورش که تازه شروع شده و نوپا است از مقطع دبیرستان می خواهد این وضع را تغییر بدهد. امیدواریم در دانشگاه های ما هم به همین شکل، این تغییر نظام آموزشی به وجود دارند از لحاظ هنر و کار و فعالیت، چه خدمت باشد، چه تولید باشد، از جهت کاربردی هم موثر باشند و آدمهای کاربردی باشند نه آدمهایی که فقط بخواهند پشت میز بنشینند و قلم به دست بگیرند و کار بکنند. این هم نکته دیگر است.

نقش وزارت تعاون

بنابراین، در رابطه با بخش تعاونی مشکل این بود که دولت محترم و از جمله خود آقای رفسنجانی حفظه... تعالی که خداوند ایشان را حفظ بکند، از یک طرف در اینجا در مورد بخش تعاون و تعاونی شعارهایی را می بینیم که به نقل از ایشان روی پارچه و با خط خیلی درشت نوشته شده است. اما از آن طرف لایحه از طرف این دولت محترم به مجلس می آمد که فلان قسمت جدا شود. بنده که خودم به عنوان حامی بخش تعاون از اول تا به حال بوده ام و خواهم بود، می دیدم که بالاخره این وزارتخانه و این وزیر بنده خدا در محذورات گیر کرده و آب نداده دارند ذبحش می کنند. این بود که بنده گفتم اگر این طور است پس بیایید وزارتخانه اش را هم منحل بکنید. آخر این چه وزارتخانه ای است که همه قسمتها از آن جدا بشود؟

پس واقعاً باید یا وزارت تعاون باشد، یا بگوییم هر قسمتی به یک وزارتخانه دیگر ملحق شود. آنچه ارتباط به کشاورزی دارد، به وزارت کشاورزی، دامی است به دامی، صنعتی به صنعتی، اگر این کار را بکنیم پس دیگر وزارت تعاون را برای چه می خواهیم؟ من معتقدم این روشگاههای شهر و روستا و این کارهای تجارتنی و بازرگانی را از وزارت

در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ شکوفایی اقتصادی، مبارزه با فاصله طبقاتی، ایجاد اشتغال و پدید آمدن عدالت اجتماعی، بخش تعاونی به وجود آمده است.

تعاون بگیرند، ولی تمام امور تولیدی اعم از دامی، صید و صیادی و کشاورزی، صنعتی، همه اینها در وزارت تعاون متمرکز بشود (تکبیر حضار).

در این راستا، دیروز مطلبی از آقای مهندس شافعی در روزنامه درج شده بود، انصافاً ایشان اعلام کرده بودند که ما بنایمان بر این است که وزارت تعاون، هم خودش و تلاش خودش را روی تعاونی‌های تولیدی متمرکز کند و در بخش تولید کار کند و این به نظر من سخن بسیار درست و منطقی است. به جهت این که بخش غیر تولیدی اگر تعاونی هم نباشد خیلی‌ها هستند که سراغش می‌روند، اما آن چیزی که به درد مملکت و به درد کشور می‌خورد مسئله تولید است. دولت هر چه حمایت‌های خودش، سیستم بانکی، اعتبارات دولتی و حمایت‌های دولتی را در جهت توسعه تعاونی سرمایه‌گذاری کند ضرر نکرده است.

ما قبول داریم که بعضی از تعاونیها تشکیل شدند اما نتوانستند به بهره‌برداری برسند، یا به بهره‌برداری رسیدند اما نتوانستند ادامه بدهند، ولی البته اینها جای بررسی دارد که ببینیم آیا صاحبان و اعضای تعاونی مقصر بودند؟ حالا فرضاً در بعضی موارد هم مقصر بودند، تمام خسارت‌هایی را که دولت، سیستم بانکی و نظام از بخش تعاونی در رابطه با این اعتبارات و تسهیلات می‌بیند، شاید یک دهم خسارت‌هایی که دیگر بخشها به سیستم بانکی وارد می‌سازند نیست.

همین ارز و همین اعتبارات سیستم بانکی را از اول انقلاب تا به حال دیگر بخشها هم گرفته‌اند. در همین دوران گذشته تا به حال، چند هزار انواع خودرو سواری ساخته شده وارد این کشور شد! صدها میلیون دلار شاید

میلیاردها دلار پول این مملکت داده شد.

یک خودرو سازی به نام خودروسازی سیناگفت من دو هزار خودرو گلف می‌خواهم وارد کنم که بسازم. از اول هم بحث ساختن بود نه این که فقط وارد کند. این آمد یک کلاه بزرگی سر وزارت صنایع، سر سیستم بانکی، بانک مرکزی، سر مملکت گذاشت و سوءاستفاده کلانی کرد. دلار ۶۰ تومانی گرفت دو هزار خودرو وارد کرد و صدها عدد آن را هم من خبر دارم که هنوز در انبارها نگه داشته و با این که قیمت آن سرسام آور است و شاید به پنج برابر و خیلی بالاتر از پنج برابر هم رسیده، هنوز هم نمی‌فروشد و منتظر است گرانتر بشود. آن وقت سیستم مملکت ما، نرخ‌گذاری کشور ما سراغ اینها نمی‌رود، که تو از کجا وارد کردی، با چه پولی وارد کردی، چقدر برای تو تمام شد، به چه دلیل تو پنج برابر می‌فروشی. بالاخره در این مملکت اگر واقعاً می‌خواهیم اشکالات را بگوییم اینها را بگوییم که یک دفعه چندین میلیارد تومان می‌گیرند، فقط یک نفر به قدر صد تا تعاونی از بانک وام می‌گیرد. خودروسازی کرمان مثلاً چقدر دوو وارد کرده است؟ نمی‌دانم دیگری اسمش چی است، اهل وارد کرده است انواع و اقسام ماشینها را به این مملکت آوردند. خدا رحمت کند امام اعلیٰ...

مقامه‌الشریف را، همان زمانی که امام در ارتباط با سوار شدن بنز فرمودند که مسئولین تشریفات را کنار بگذارند، یکی از همین سیستم بانکی بود، حالا فکر کنم بانک مرکزی بود که ۵۰ تا بنز آخرین سیستم وارد کرده بود و فرمایشات امام که مطرح شد دیگر آن ماشین‌ها چندان خریدار نداشت که بدهند به مدیرعامل‌ها و سرپرست استانها و نمی‌دانم کجا و کجا. این را

گذاشت کم‌کم یک چند سالی که گذشت، فرمایش امام دیگر آن حرارتش را از دست داد و دو مرتبه تحت عناوینی به سراغ همان ماشینها رفتند. آن وقت این هم گفت اول از استانهای محروم شروع کنیم، مثلاً به سرپرستهای استان گفت شما در این منطقه محروم هستید می‌خواهید یک ماشین بنز به شما بدهیم که در اختیار سرپرست باشد؟ او هم که از خدا می‌خواست، سرپرستی که در عمرش بنز ندیده بود حالا یک بنز آخرین سیستم ۲۰، ۳۰ میلیون تومانی زیرپایش بیندازد. از آنجا شروع کردند، بعد آوردند در تهران پخش کردند. این که به این شکل درست نیست.

وظیفه اساسی وزارت تعاون

من معتقدم در ارتباط با تعاونی وزیر محترم تعاون باید به شدت نظارت کند. یعنی شما دو کار عمده دارید: یک کار این است که بیشترین حمایتها، پشتیبانی‌ها، آن هم نه پشتیبانی لفظی، پشتیبانی عملی، در اعتبارات، در امکانات، در تسهیلات، در قوانین و مقررات را اعمال کنید و ما هم در قانونگذاری در خدمت شما هستیم در جهت بخش تعاون، آن هم در بخش تولید.

دیگر کار عمده شما نظارت است که مراقب باشید آدمهایی از این مسئله سوءاستفاده نکنند و قوانین و مقررات هم جوری باشد که اگر کسی خواست سوءاستفاده کند مجازاتش سنگین باشد. فقط ما بخواهیم عین طلب دولت را بگیریم این مطلوب نیست. اگر جایی معلوم شد این کسانی که آمده بودند، از اول شارلاتان بودند، حقه باز بودند، اصلاً کننده کار نبودند، آمدند به نام تعاونی خواستند یک پولی بگیرند و بروند و بعد هم سوءاستفاده کردند، اگر اثبات شد که تقصیر داشته‌اند درجهت این که نتوانسته‌اند کار را به سامان برسانند، با اینها برخورد بشود، به نظر من، اگر این دو جهت را بتوانید دنبال کنید موفق خواهید بود.

والسلام علیکم ورحمة... و برکاته